

اوشمارا از زمین پدید آورد و خواستار آبادکردن آن از شما شد. هود/۶۱

چگونه نفت به دست می آوریم؟

انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند و این استخراج در بعضی از اوقات زمان زیادی می گیرد، زیرا گندن در طبقه های صخره ها می باشد. در ایران در درون زمین ثروت های بسیاری است؛ سرزمین ما سرشار از نفت و گاز است و قسمتی از آن دو را به کشورهای صنعتی صادر می کند. انسان نفت را از زمان قدیم شناخت، آن را از روی (سطح) زمین جمع می کرد و از آن به عنوان سوخت و درمان بیماری های پوستی استفاده می کرد. کارگران چاهی را حفر می کنند (می کنند) و لوله ای را در آن قرار می دهند، پس نفت به وسیله ی لوله بالایی آید و لوله بالایی با شیرهایی باز و بسته می شود. انتقال نفت از طریق (از راه) لوله ها کم خطرتر و کم خرج تر از انتقالش با نفت کش ها است و برای انتقال دادن (منتقل کردن) نفت به وسیله ی لوله ها از طریق (از راه) سرازیری ها وسیله هایی برای کم کردن فشار به کار گرفته می شود تا لوله ها سالم بمانند.

ایران تجربه های بسیاری در صنعت انتقال نفت از طریق (از راه) لوله ها دارد و آن از بزرگ ترین کشورهای صادر کننده ی نفت و موفق ترین نشان در کشیدن خطوط لوله ها و نگهداری (محافظت) آن ها از مکان های تولید گرفته تا مکان های مصرف است.

در امتداد (راستای) لوله ها ستون های مخابرات مانند ایستگاه های هشدار دهنده وجود دارند و تابلوهای هشدار آمیز به رنگ زرد هم وطنان را از کندن زمین برای ساختن ساختمانی یا برای کشاورزی هشدار می دهند. بهره ر شهروندی واجب است (هر شهروندی باید) از این لوله ها نگهداری کند و هنگام دیدن خطر با شرکت تماس بگیرد.

از نفت مشتقات بسیاری مانند بنزین و روغن ها به دست می آوریم. نفت استفاده ی دیگری در صنعت دارد، از آن پلاستیک (کائوچو)، عطرها، داروها، حشره کش ها، مواد آرایشی، خمیر دندان، کود شیمیایی و غیر از آن ها ساخته می شود.

نفت چگونه و به کجا منتقل می شود؟

نفت از طریق لوله ها از چاه ها یا بندرها به پالایشگاه ها منتقل می شود، سپس نفتکش ها مشتقات نفت را از پالایشگاه ها به ایستگاه های سوخت در کشورهای منتقل می کنند.

ص. ۹۴ : نکات واژه نامه

- اتصالات: مخابرات اتصل به معنی "تماس گرفت" است.
- استعمار: خواستار آباد کردن شد، از عمران به معنی "آبادانی" گرفته شده است.
- استغرق: طول کشید
- استهلاك: مصدر [جزء کلماتیست که باید از نظر معنایی به آن توجه کرد، زیرا از نظر ظاهر مشابهتی ندارد].
- أقل خطراً: کم خطرتر، کم خطرترین؛ این ترکیب حاوی یک نکته ی قواعدیست که در کتاب های متوسطه ی دو ذکر نشده، اما از نظر ترجمه مهم است و طراح سؤال می تواند مشابه آن را در آزمون ها طرح کند: أقل جَمالاً: کم زیباتر (کسی که زیبایی کم تر است)، أكثر نظافةً: تمیزتر. ترکیب: اسم بروزن أفعَل + مصدر منصوب.
- أنبوب: لوله، جمع: أنابيب؛ از نظر مفرد و جمعی مانند أسلوب أساليب (شیوه) و أسبوع أسابيع (هفته) و .. است.

- إنذار: هشدار، هشدار دادن=تَحذِير. حروف اصلی: ن ذ ر ، مصدر باب إفعال است: أَنْذَرَ يُنذِرُ أَنْذِرُ إنذار
- أَنْشَأَ: پدید آورد، آفرید، ایجاد کرد. حروف اصلی: ن ش ء ، ماضی باب إفعال است: أَنْشَأَ يُنشِئُ أَنْشِئُ إنشاء
- بُلْدَان: کشورها، سرزمین ها، مفرد: بَلَد. بَلَدٌ دو جمع مکسر دارد: بُلْدَان، بِلَاد؛ پس بُلْدَان=بِلَاد
- بِنَاء: ساختن، ساختمان، حروف اصلی: ب ن ي ، از فعل ثلاثی مجرد: بَنَى بِنَى
- تَجْمِيل: زیباساختن، آرایش کردن
- تَحذِيرِيَّة: هشدار آمیز، مترادف إنذارِيَّة. حروف اصلی: ح ذ ر ، مصدر باب تفعیل: حَذَرَ يُحذِرُ حَذِرُ تَحذِير
- سَمَاد: کود، جمع: أَسْمَدَة
- صَدَّرَ: صادر کرد، حروف اصلی: ص د ر ، ماضی باب تفعیل: صَدَّرَ يُصدِّرُ صَدِّرُ تَصْدِير
- صُخُور: صخره ها، مفرد: صَخْرَة
- صِيَانَة: نگهداری، تعمیر، مصدر مجرد از حروف اصلی ص و ن، فعل: صَانَ يَصُونُ صِيَانَة
- عَبْرَ: از راه، از طریق
- مَبِيد: از بین برنده = مَهْلِك، حروف اصلی: ب ي د
- مَحَطَّة: ایستگاه، حروف اصلی: ح ط ط
- مَدَّ: کشیدن، مصدر ثلاثی مجرد از حروف اصلی م د د : مَدَّ يَمُدُّ مَدَّ (امر) مَدَّ (مصدر)
- مَصَافِي: پالایشگاه ها، مفرد: مَصْفَى، حروف اصلی: ص ف ي
- مَطَّاط: پلاستیک، کاؤوچو، حروف اصلی: م ط ط
- مُنَحَرَر: سرازیری، حروف اصلی: ح د ر ، از باب انفعال: اِنَحَدَرَ يَنحَدِرُ اِنَحَدِرُ اِنحِدَار
- نَاقِل: منتقل کننده، حروف اصلی: ن ق ل
- وَقُود: سوخت، حروف اصلی: و ق د. توجّه ۱: با سوخت به معنی سوختن فرق دارد. توجّه ۲: مفرد است، نه جمع
- يُفْتَحُ متضادُّ يُغْلَقُ
- يُفْتَحُ، يُغْلَقُ و يُنْقَلُ مجهولند.

ص. ۹۶: درك مطلب

۱. کشورما تجربه های بسیاری در صنعت انتقال نفت از طریق لوله ها دارد. صحیح
۲. انسان از نفت در ساخت مواد آرایشی استفاده می کند. صحیح
۳. در راستای لوله ها ستون های مخابرات یافت نمی شود. نادرست
۴. نفت از چاه به بندر صادرات منتقل می شود. نادرست
۵. انتقال نفت از طریق لوله ها پرخطرتر است. نادرست

ص ۱۰۱ : التمرین الأول: کدام کلمه از کلمات واژه نامه با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱. مکانی برساحل دریا که کشتی ها درکنارش دیده می شوند. میناء(بندر)
۲. گودال عمیقی که ازآن آب یا نفت استخراج می شود. بئر(چاه)
۳. ماده ای مانند بنزین، نفت و گاز. وقود(سوخت)
۴. به کارگیری و بهره مندی. استهلاك(مصرف)
۵. محافظت از چیزها. صيانة(نگهداری)

ص ۹۳: نکات متن درس

ص ۹۴:

- کیف: کلمه ی پرسشی، نَحْصَل: فعل، عَلی: حرف جر، النِّفْط: مجروربه حرف جر؛ جمله فعلیه
 - یَسْتَخْرِج: فعل، الإنسان: فاعل و مرفوع با ضمّه، النِّفْط: مفعول و منصوب بافتحه، من: حرف جر، باطن مجروربه حرف جر با کسره، الأرض: مضاف إليه و مجرور باکسره؛ جمله فعلیه
 - هذا: مبتدا،... یَسْتَعْرِق: خبرانوع فعل، وقتاً: مفعول و منصوب با فتحه، طویلاً: صفتٍ وقتاً و منصوب بافتحه
 - فی ایران: جارومجرور و خبرمقدم، ثروات: مبتداء مؤخر، کثیرة: صفت ثروات، فی باطن: جارومجرور با کسره، الأرض: مضاف إليه و مجرور با کسره، بلاد: مبتدا، غنیة: خبر(انوع اسم)، هی: مبتدا، تُصَدَّر: خبرانوع فعل، الصَّناعیة: صفت،...الجلدیة: صفت. یُغَلِّق: فعل مجهول، الأنبوب: نائب فاعل و مرفوع باضمّه
 - نَقَلَ: مبتدا و مرفوع با ضمّه (*توجّه: با نَقَلَ که فعل است اشتباه نشود.)، النِّفْط: مضاف إليه، عَبر: قیدمکان و منصوب، الأنبیب: مضاف إليه، أَقْل: خبر از نوع اسم و مرفوع با ضمّه، خطراً: نخوانده و نمی خوانیم!!
 - تُسْتَخْدَم: فعل مجهول، آلات: نائب فاعل و مرفوع باضمّه(مفرد: آلة)
 - لإیران: جارومجرور
 - هی: مبتدا، من أكبر: خبر ازنوع جارومجرور
- ص ۹۵:

- تُوجَد: فعل مجهول، أعمدة: نائب فاعل و مرفوع باضمّه، اتصالات: مضاف إليه و مجرور با کسره
- لوحات: مبتدا و مرفوع با ضمّه، تحذیریة: صفت لوحات و مرفوع با ضمّه، الأصفر: صفت لَوْن و مجرور با کسره، تُحَدَّر: خبرانوع فعل، المُواطنین: مفعول و منصوب با ی
- یَجِبُ: فعل،..صيانة: فاعل و مرفوع با ضمّه، هذه: مضاف إليه
- للنِّفْط: جارومجرور، آخر: صفت و مرفوع باضمّه
- یُصَنَع: فعل مجهول، المِطاط: نائب فاعل و مرفوع با ضمّه

- الحشرات و التّجميل و الأسنان: مضاف إليه، الكيمياء: صفت

- يُنْقَلُ: فعل مجهول و النّفط: نائب فاعل و مرفوع با ضمّه، من الآبار: جارومجرور با كسره

- تَنْقُلُ: فعل معلوم، الناقلات: فاعل و مرفوع باضمّه، مشتقّات: مفعول و منصوب، النّفط: مضاف إليه

**توجّه: نَقَلَ يَنْقُلُ : منتقل کردن، جابه جا کردن، فعل ثلاثی مجرد، مجهول: نُقِلَ يَنْقَلُ منتقل شدن، جابه جاشدن

اِنْتَقَلَ يَنْتَقِلُ اِنْتَقَالَ : منتقل شدن، جابه جاشدن، فعل ثلاثی مزيد از باب افتعال، معلوم و لازم // اِنْتَقَلَ = نُقِلَ

والسلام

حقيقي